

عماد محسنی تکلو در گفت‌وگو با استقامت:

حذف مجسمه‌های چهارراه طهماسب آباد بازگشت به عقب بود

اسما پورزنگی آبادی



ارتباط نمی‌گیرد. آثاری در شهر داریم که اگر اعضای محترم کمیسیون فرهنگی شورای شهر کنار آن بایستند، با آن ارتباط نمی‌گیرند؛ ولی مجسمه‌ها دارند کار می‌کنند و افرادی از لحاظ ذهنی با آن درگیر می‌شوند. یا مجسمه‌های پشت کتابخانه ملی را در نظر بگیرید که خیلی از مدیران شاید حتی ندانند چنین آثاری در شهر هست؛ ولی اثر رویای باغ طهماسب‌آباد، چون بیشتر دیده می‌شد و سوال می‌پرسیدند که مفهوم آن چیست؟ قربانی و خیلی زود حذف شدند.

نظر تان درباره نصب مجسمه ناظم‌الاطباء در محل رویای باغ طهماسب‌آباد چیست؟

پیش از این، برنامه شهرداری برای این مجسمه چه بود؟

ساخت این مجسمه به مراسم بزرگداشت ناظم‌الاطباء برمی‌گردد که قبل از شیوع کرونا برگزار شد. در جریان مراسم، سفارش ساخت سردیس به آقای شهریار رضایی داده شد. من وقتی آن را دیدم، به این نتیجه رسیدم که اثر خوبی است و می‌تواند به تندیس و مجسمه شهری تبدیل شود. پیشنهاد دادم و آقای رضایی پذیرفت و قرار شد کار ساخته شود. حدود سه سال پیش بود که سفارش ساخت آن داده شد و وقتی آماده شده، از هر لحاظ اثر خیلی خوبی از آب درآمد. درباره جنابم این مجسمه، پیشنهاد این بود که در مراکز درمانی یا نزدیک یکی از مراکز درمانی باشد. پیشنهاد دیگر این بود که در بلوار ناظم‌الاطباء نصب شود که بعد از بررسی، به این نتیجه رسیدیم این بلوار برای مجسمه نامناسب است. اطراف مراکز درمانی هم به جمع‌بندی نرسیدیم. تا اینکه در این دوره، تصمیم گرفتند در چهارراه طهماسب‌آباد نصب شود. به نظرم چیدمان اثر اشتباه است اما گفته شده که با هماهنگی خود هنرمند بوده است.

به نظر می‌رسد ابعاد مجسمه ناظم‌الاطباء با فضای آنجا تناسبی ندارد. نظر شما چیست؟

به نظر من، مجسمه‌های قبلی، از نظر تناسب فضای، جذابیت بصری بیشتر داشتند. الان انگار مجسمه گم است و وسط فضا رها شده و کنار یک حوض و چارچوبی قرار گرفته که هیچ ربطی به مجسمه ندارند. شاید در چیدمان این مجسمه، می‌شد بهتر از این عمل کرد.

شما از سرنوشت مجسمه‌ها خبری دارید؟ آقای کسمری سخنگوی شورای شهر می‌گفت که بررسی می‌شود تا کجا بهتر است که نصب‌شان کنند و مجسمه‌ها را دوباره به شهر برمی‌گردانند. اگر این حرف درست باشد، شما چه پیشنهادی دارید؟

نمی‌دانم مجسمه‌ها کجا هستند؛ اگر درست جابه‌جا شده و آسیب ندیده باشند، احتمالا در انبار هستند. پیشنهاد این است که مجسمه‌ها به سرچای خودشان برگردانده شوند. نام این اثر، رویای باغ طهماسب‌آباد بود. اگر در جای دیگری از شهر طهماسب‌آباد بود، همان‌جا دارد که خشک شده؛ مجسمه‌ها را همان‌جا ببرند! بهترین تصمیم و اقدام، برگرداندن مجسمه‌ها به چهارراه طهماسب‌آباد است.

بیش‌تری با آن‌ها برقرار شود یا مثلا در صورت امکان، در فیگورها باید تغییراتی ایجاد می‌شد؟

قطعا تصمیم درست این بود که مجسمه‌ها بمانند. این آثار داشت کار می‌کرد و هدفی که در نظر گرفته شده بود، داشت برآورده می‌شد و رهگذران کنار آن می‌نشستند. یادم هست وقتی این آثار می‌خواست در اینجا نصب شود، برخی پیشنهاد می‌دادند که آن طرف چهارراه نصب شود؛ چون پیش‌بینی این بود که آنجا، افراد بیش‌تری کنار مجسمه می‌نشینند. هدف مجسمه‌ها نشود؛ برای همین در آثار، از رنگ خنثی استفاده شده بود. قرار بود مجسمه‌ها باشند، افراد به‌عنوان نیمکت کنارشان بنشینند و بعد متوجه حضور اثر شده و با آن ارتباط بگیرند و از خودشان بپرسند که این حوض خالی چیست و این اثر چه حرفی دارد؟ به این معنا، مجسمه‌ها داشت کار می‌کرد و قطعا باید می‌ماند تا ذهن بیش‌تر با آن‌ها آشنا می‌شد.

به نظر من، اینکه می‌گویند مجسمه‌ها غمگین است، از آنجایی نشأت می‌گیرد که این اثر، با رویکرد همیشگی و عوام‌زده‌ای که در ساخت حجم‌های شهری وجود داشت در تناقض و تعارض بود. ممکن است مجسمه‌ها از لحاظ هنری ایراداتی داشته باشند اما این ایرادات قطعا غمگین بودن آن نیست. یک اثر هنری که حتما نباید شاد و خنده‌دار باشد. چرا این رویکرد را درباره موسیقی نداریم و نمی‌گوییم به فلان موسیقی مجوز نمی‌دهیم چون غمگین است؟



هم بزرگ‌تر از چیزی بود که اجرا شد؛ فکر می‌کنم در آن طرح، سه ردیف و ۹ مجسمه دیده شده بود اما آقای ناصری معتقد بود جا برای میلان شهری تنگ می‌شود و نباید تعداد مجسمه‌ها زیاد باشد. بنابراین، در ردیف با پنج مجسمه اجرا شد. سفارش ساخت مجسمه‌ها در شهرداری منطقه دو اتفاق افتاده بود و اختلاف نظرانی بین معمار و مجسمه‌ساز و شهردار کل و شهردار منطقه دو وجود داشت و من سعی کردم به سهم خودم امور را تسهیل کنم تا طرح اجرایی بشود.

این مجسمه‌ها به هر حال منتقدانی داشت و برخی اصرار داشتند که حس افسردگی و غم را به مخاطب القا می‌کنند. از این منظر، فکر می‌کنید رویکرد درست چه بود؟ باید می‌ماندند تا به مرور ارتباط

نمی‌برند بلکه در کنار لذت بردن، تفکر و ایده‌های نیز شکل می‌گیرد. اگرچه شهرداری کرمان در دوره‌های مختلف این رویکرد را دنبال می‌کرد اما کارهای تزئینی ویژه نوروز را هم داشتیم که مثل روال سابق خلق می‌شد و اغلب هم، کم‌کیفیت بودند، اما این جریان جدید هنر شهری نیز در حال پیشرفت بود تا که به جمع‌آوری مجسمه‌های چهارراه طهماسب‌آباد رسیدیم. فارغ از اینکه این مجسمه‌ها از لحاظ هنری چه قدر ارزشمند بود، این اقدام شورا و شهرداری یک پیام بسیار بد دارد؛ اینکه داریم از آن رویکرد در شهر عقب‌نشینی کنیم و می‌خواهیم به روال یک دهه قبل برگردیم. در اظهارنظراتی که پیرامون حذف مجسمه‌ها ارائه شد، دلایلی مطرح می‌شد که انگار داریم به روال عوام‌زده گذشته برمی‌گردیم و این بازگشت به عقب، برای هنر شهری کرمان اتفاق ناخوشایندی است. اگر موردی و همین یک بار باشد که خیلی مسئله‌برانگیز نیست ولی آنجا مسئله بسیار جدی و نگران‌کننده می‌شود که بخواهیم این رویکرد را کاملا کنار گذاشته و سراغ کارهای عوام‌زده برویم که مردم بعد از دیدن آن، در لحظه اول، برایمان کف بزنند و پیام تشکر بفرستند اما مدت کوتاهی بعد، آن را از شهر جمع کنیم. اگر رویکرد جدید تقویت شود، در دوره‌ای بلندمدت، هیچ اثر ارزشمندی نمی‌توانیم به شهر اضافه کنیم و این نگرانی وجود دارد که دیالوگ بین شهرداری و هنرمندان که طی سال‌های گذشته شکل گرفته بود قطع شود و به عقب برگردیم.

گفتید مجسمه‌ها پیش از اجرای طرح آقای ناصری سفارش داده و ساخته شده بود. وقتی طرح اجرا شد، از سوی طراح برای نصب در چهارراه طهماسب‌آباد انتخاب شدند یا پیشنهادی دیگر باعث آن شد؟

این مجسمه‌ها در دوره‌ای ساخته و نصب شد که من مسئولیتی در سازمان سیما و منظر شهرداری نداشتم. زمستان سال ۹۷ طرح در چهارراه طهماسب‌آباد اجرا شد و من از بهار سال ۹۸ به سازمان سیما و منظر رفتم اما از ابتدا، در جریان جزئیات طرح بودم و تلاش کردم که این طرح اجرا شود. این مجسمه‌ها را آقای مهندس سعیدی شهردار اسبق منطقه دو به آقای رضایی سفارش داده بود. طرح اولیه

سوی افکار عمومی شد. شهرداری از آن بخش از طرح که تغییرات ترفیعی در چهارراه ایجاد می‌کرد، کاملا عقب‌نشینی کرد، موضوع بعدی طراحی فضا بود که واکنش‌هایی ایجاد کرد و در ادامه هم، مسئله مجسمه‌ها پیش آمد که گروه‌هایی از مردم، در ابتدا، با مجسمه‌ها ارتباط نمی‌گرفتند و حتی در شورای قبل هم نظرانی وجود داشت که این مجسمه‌ها آن‌طور که باید، کار نمی‌کنند. درباره طراحی که باید بگویم طرح ارائه شده به صورت ناقص اجرا شد و اگر دقت کنید، بعد از گذشت سه، چهار سال، حتی هنوز موزاییک‌های گوشه کار، نصب نشده است. من تلاش‌های زیادی کردم تا کل چهارراه به‌صورت یک‌دست مطالعه و طراحی و اجرا شود تا ایده مدنظر خود را در اجرا نشان دهد اما متأسفانه این اتفاق نیفتاد.

درباره نصب مجسمه‌های رویای باغ طهماسب‌آباد خوب است به پیشینه این رویکرد توجه کنیم. این مجسمه‌ها را باید در روندی که هنر شهری کرمان طی سال‌های اخیر طی کرده ببینیم. از حدود ۱۰، ۱۱ سال پیش و به ویژه بعد از دوره سوم سمپوزیوم مجسمه‌سازی که سال ۸۹ برگزار شد، نگاه به مجسمه‌سازی در شهرداری کرمان جدی‌تر و هنری‌تر شد و شهرداری به این نتیجه رسید که وقت آن رسیده تا از روال سابق که مجسمه‌هایی از گوزن و شیر و اسب می‌ساختند و در شهر نصب می‌کردند تغییر مسیر داده و کار را تقویت کنند و به سمت آثار مدرن و معاصر و مفهومی و معناگرا بروند تا مردم بتوانند با آن ارتباط بگیرند و درگیر آن شوند و در کنار مجسمه حضور داشته باشند. این رویکرد از طرف هنرمندان به شهرداری پیشنهاد شد و شهرداری هم آن را آغاز کرد و به مرور، در دوران مدیران مختلف شهر، ادامه یافت. پیش از این، مجسمه شخصیت‌هایی مثل خواجه دیگر بزرگان که ساخته می‌شد، آن را روی ارتفاع قرار می‌دادند و مردم مجبور بودند از پایین به آن نگاه کنند اما در رویکرد جدید، به اینجا رسیدیم که مجسمه زنده‌یاد باستانی‌پاریزی لبه یک سکو قرار گرفته و مردم می‌توانند کنار آن بنشینند و با آن عکس بگیرند. یا آثاری از شهریار رضایی در کنار گنبد جلیه قرار گرفت که مردم روی صندلی‌ها نشسته و هر چشم‌اندازی که خودشان خواهند راه می‌توانند انتخاب کنند.



نمونه دیگر از آثار این رویکرد، مجسمه‌های آقای حمزه حیدری‌فر است که یکی از آن‌ها در پارک شورا نصب شده است. این، رویکرد جدیدی بود که در هنر شهری کرمان شکل گرفت و می‌توان گفت که در کشور، کرمان از این نظر جزو پیشگامان بود. شهرداری کرمان از این نوع نگاه در هنر شهری استقبال کرده و به مرور در حال ترویج آن بود و کسانی هم در بدنه شهرداری از آن حمایت می‌کردند. ما بارها این نقل را از زبان هنرمندان ملی و استادان شنیدیم که کرمان به نسبت اصفهان یا مشهد و تهران که در هنر شهری زیاد هزینه می‌کنند رویکرد درست‌تری دارد؛ کار کم‌تری انجام می‌دهد ولی کارهای مدرن‌تری خلق می‌کند و کم‌کم آثار شهری به نشانه شهری تبدیل شده و مردم نیز با آن ارتباط می‌گیرند و فقط لذت بصری

حذف مجسمه‌های «رویای باغ طهماسب‌آباد» از شهر کرمان که مدتی پیش با تصمیم کمیسیون فرهنگی شورای شهر و توسط شهرداری کرمان انجام شد، تنها یک تصمیم سلیقه‌ای برای خوشامد این و آن نبود که بتوان آن را فراموش کرد، بلکه هشدار بود نسبت به رویکردی جدید در هنر شهری کرمان که عماد محسنی تکلو از آن با عنوان «بازگشت به عقب» یاد می‌کند؛ آن هم در شرایطی که کرمان، به گواه هنرمندان و استادان ملی، در مقایسه با شهرهایی از جمله تهران و اصفهان و مشهد در هنر شهری، در مسیری درست و رو به جلو در حرکت بود.

برخی اعضای شورای شهر کرمان دلیل حذف این مجسمه‌ها را «القای حس افسردگی» بیان می‌کردند.

محسنی تکلو از حامیان و تسهیل‌گران اجرای طرح چهارراه طهماسب‌آباد که تا چند ماه پیش، مسئولیت معاونت سازمان سیما، منظر و فضای سبز شهرداری کرمان را برعهده داشت؛ این دیدگاه را به چالش کشیده و می‌گوید: «اینکه می‌گویند مجسمه‌ها غمگین است، از آنجایی نشأت می‌گیرد که این اثر، با رویکرد همیشگی و عوام‌زده‌ای که در ساخت حجم‌های شهری وجود داشت در تناقض و تعارض بود. ممکن است مجسمه‌ها از لحاظ هنری ایراداتی داشته باشند، اما این ایرادات قطعا غمگین بودن آن نیست. یک اثر هنری که حتما نباید شاد و خنده‌دار باشد. چرا این رویکرد را درباره موسیقی نداریم و نمی‌گوییم به فلان موسیقی مجوز نمی‌دهیم چون غمگین است؟ ضمن اینکه، ضرورتا، مجسمه‌ای که غمگین باشد مجسمه بدی نیست. بنابراین، اینکه آثار غمگین هستند و باید حذف شوند؛ به طور کلی حرف باطل و بی‌موردی است.» او تأکید دارد که مجسمه‌ها به محل سابق خود برگردند و درباره جایگزینی مجسمه ناظم‌الاطباء با رویای باغ طهماسب‌آباد نیز نظرش را اعلام می‌کند.

گفت‌وگو با او را در ادامه بخوانید.

ایده نصب مجسمه‌های رویای باغ طهماسب‌آباد از که بود و با چه هدفی اجرا شد؟

شکل‌گیری این ایده که چهارراه طهماسب‌آباد از وضعیت فضای سبز و چمن‌کاری و لچکی و راستگردی که الان دارد خارج شود؛ براساس این ایده بود که فضای شهری را برای حضور بیش‌تر عابر پیاده آماده کنیم. به این منظور، آقای دکتر ناصری به‌عنوان طراح، به دنبال آن بود که یک سخت‌فضا شکل بگیرد تا مردم راحت در آن حرکت کنند و به جای اینکه روی چمن بنشینند، از میلان شهری استاندارد استفاده کنند. برای رسیدن به هدف نهایی طرح، یکسری تمهیدات ترفیعی هم باید دیده می‌شد که در جریان آن، بخش خیلی محدودی از مسیری که در اختیار خودروهای سواره بود، گرفته و به عابر پیاده داده می‌شد. به‌دلیل اینکه اقداماتی مثل بستن راستگرد و تنگ کردن فضای عبور ماشین‌های سواری چالش‌هایی ایجاد می‌کرد، پیشنهاد شهردار وقت و کارگروه معماری شهرسازی این بود که از یک لچکی شروع کنیم. طراحی لچکی را آقای ناصری انجام داد؛ سخت فضا و میلان شهری برای آن فضا طراحی شده بود و مجسمه‌ای که سفارش آن به شهریار رضایی پیش از همه این اتفاقات انجام شده بود. اول قرار بود مجسمه‌ها سمت دیگر چهارراه باشند و هنگامی که طرح در این لچکی آغاز شد، اینجا برای نصب آن انتخاب کردند. وقتی که این طرح اجرا شد، تفاوت‌های آن با اتفاقات مرسوم در شهر، آشکار شد. پیش از این، شهرداری به دنبال توسعه کمی فضای سبز بود اما حالا چمن از اینجا حذف و به سخت‌فضا تبدیل می‌شد؛ این اقدامات باعث بروز واکنش‌هایی از